



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

نقش ترجمان در اجراءات پناهندگی

۱۴ فبروری ۲۰۱۶

ورود تعداد زیاد پناهجویان افغان به اروپا بازهم توجه انجمنهای پناهندگان و برخی رسانه های افغانی را به وضع پناهجویان، عناصر متشکله اجراءات پناهندگی و نقش افراد مسلکی زیربط چون وکیل مدافع و ترجمان درین پروسه جلب کرده است. فارو بحیث فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا، میکوشد معلومات متکی بر تجارب پناهجویان سابقه را در چوکات قوانین نافذه در اروپا، به پناهجویان تازه وارد هموطن ما تقدیم نماید. به همین سلسله این بار معلومات مختصر در مورد نقش ترجمان و علل اشتباهاتی که در ترجمه صورت میگردد، بپردازیم. دلیل انتخاب این موضوع حالت سردرگمی پناهجوی تازه وارد در کمپ هاست. پناهجو در کمپ با انواع افواهات و مشوره های مواجه میگردد که از سایر پناهجویان می شنود. هرکس برداشت یا تجربه شخصی خود در رابطه با اداره امیگریشن، وکیل مدافع، مؤسسات رضاکاران که پناهندگان را کمک میکنند و ترجمانها را بحیث برداشت خود نه، بلکه بحیث حقیقت مطلق به دیگران انتقال میدهد. هرگاه پناهجو این نوع اطلاعات را بپذیرد، مصاب به شک و تردید و بی اعتمادی در مورد مؤسسات و اشخاصی میشود که در پروسه پناهندگی با آنها سروکار دارد. اگر پناهجو نه به وکیل خود اعتماد کرده بتواند، نه به ترجمان و نه به رضاکارانی که هدفی جز کمک به پناهجوندانند، خود را در یک محیط مشوک می یابد و سلامتی روانی اش در خطر می افتد. بهمین سبب انتشار معلومات دقیق و مبتنی بر قوانین و مقررات اداری و پناهندگی اروپا برای دادن حس اعتماد به محیط برای پناهجو از اهمیت زیاد برخوردار میباشد. سطور ذیل به معلومات در مورد ترجمان اختصاص یافته است. بزودی نوشته در مورد نقش و موقف حقوقی وکیل مدافع به پناهجویان تازه وارد افغان تقدیم خواهد شد.

پناهجو شخصیت که بنا به خطری که متوجه حیات و آزادی اش میباشد، از کشور خود بیک کشورداری زبان، کلتور و عنعنات دیگر پناه میبرد. دادن حق اقامت ناهندگی در حیطه صلاحیت دولت میزبان قرار دارد. برای افتناع مقامات پناهندگی کشور میزبان باید پناهجودلایل مجبور شدن به ترک کشور بومی خویش را به زبان رسمی کشور میزبان توضیح کند. پناهجویان اکثرأ به زبان رسمی کشور میزبان صحبت کرده نموانند و برای افهام و تفهیم به ترجمان نیاز دارند ولی خود توان پرداخت حق الزحمه ترجمان را ندارند. اما در چنین حالات دول عضواتحادیه اروپا مکلف به استخدام ترجمان برای پناهجو میباشد.

حق داشتن ترجمان در قانون:

در بند سوم جزء (و) ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) چنین میخوانیم: ((اگر (شخص) زبانی را که در محکمه تکلم می شود نمی فهمد و یا نمی تواند به آن تکلم کند یک ترجمان مجاناً به او کمک کند)).

دول اروپایی محتوی بند سوم ماده ۱۴ میثاق مذکور را در قوانین داخلی خویش داخل نموده و به اساس آن اصول عمومی اداره و اصول محاکمات اداری، مدنی و جزایی در هر دو سیستم حقوقی اروپا (رومنو-جرمنیک و کامن لا) حق هر فرد را برای افهام و تفهیم به زبان مادری اش و از طریق ترجمان، حین اجراءات متعلق به او در یک اداره یا محکمه برسمیت شناخته اند. این حق در کشورآبایی ما افغانستان نیز توسط قانون اجراءات جزایی (۳۰ جدی ۱۳۹۲) در ماده هفتم تضمین شده است. این ماده که حقوق مظنون، متهم و مسؤل حق العبد در مراحل تعقیب عدلی را مسجل ساخته در جزء دهم خویش حق داشتن ترجمان را برای فردیکه به آن نیاز داشته باشد، تضمین میکند. قوانین متذکره فوق پیش بینی نموده اند که در صورت ضعف بنیه مادی فرد مذکور، دولت مکلف به پرداخت حق الزحمه ترجمان میباشد. به پیروی از همین وجیبه قانونی ادارات موظف به بررسی درخواستهای پناهندگی و محاکم زیربط برای پناهجو ترجمانی را که به زبان مادری پناهجو زبان کشور میزبان مسلط باشد، دعوت میکنند، تا حین مصاحبه و یا در جریان نشست

محکمه برای پناهجو ترجمه کند. ترجمانها مأمورین اداره امیگریشن یا محاکم نبوده و شغل آزاد (دارالترجمه) دارند. صرف در مواقع ضرورت برای ترجمه به دفتر امیگریشن (مهاجرت) و یا محکمه دعوت شده و مطابق ساعات کاری که انجام میدهند، پول دریافت میکنند.

قانون ترجمان را مکلف به ترجمه دقیق و حتی الامکان کلمه به کلمه سخنان پناهجو میسازد. هرگاه اداره مهاجرت و یا قاضی محکمه احساس کنند که ترجمه ترجمان چیزی بیشتر یا کمتر از کلمات گفته شده توسط پناهجو است، برای رفع شک خود درمورد متن ترجمه شده، سوالات بیشتری از پناهجو میکنند. ترجمانها هیچگاه نمیخواهند درین تنگنا گرفتار آیند و منبع عاید و نفقه خانواده خود را از دست بدهند. بهمین جهت میکوشند وجبیه قانونی خود را در نظر گرفته و به ترجمه دقیق کلمات پناهجو بپردازد. ترجمان های رسمی که اسم شان در راجستردولتی ثبت است، باید قبل از ثبت شدن به پیشگاه محکمه سوگند یاد کنند که در ترجمه امانتداری را رعایت نموده غیرجانبدار خواهند بود. ترجمانهای راجستر نشده نیز قبل شروع هر بار ترجمه در محاکم، از جای خود بلند شده و سوگند امانتداری و غیرجانبداری را ادا میکند. با ادای این سوگند ترجمان در برابر قانون از عملکرد خویش جوابده میباشد.

چرا بعضاً ترجمه اشتباهات میداشته باشد؟

ترجمه بذات خود کار ساده نیست. اما ممارست و تمرین روزمره ترجمان را قادر به این امر مهم میسازد. طوری که در فوق ذکر شد، ترجمان باید هم به زبان مادری پناهجو و هم به زبان کشور میزبان حاکم باشد. بهترین حالت اینست که زبان مادری ترجمان و زبان مادری پناهجو عین زبان باشد. درپهلوی زبان آشنایی با کلتور، عنعنات، ترمینولوژی رسمی، سیستم اداری و قضایی کشور اصلی پناهجو برای ترجمان ضروری میباشد. اگر یکی از این شرایط موجود نباشد، احتمال بروز اشتباهات در ترجمه بوجود می آید.

اصولاً پناهجوی افغان مستحق داشتن یک ترجمان که همزبان او بوده و بر زبان رسمی کشور میزبان تسلط کامل داشته و حایز سایر شرایط فوق الذکر باشد، است. تا بیست سال قبل در سطح اروپا تعداد ترجمانهای افغان از ده ها ترجمان تجاوز نمیکرد اما تعداد پناهجویان زیاد بود. آنگاه از ناچاری، برای پناهجویان افغان ترجمانهای ایرانی دعوت میشدند. اکنون صدها ترجمان افغان در سطح اروپا وجود دارند. اصولاً دیگر نیازی به دعوت ترجمانهای ایرانی نیست. اما با آنهم در بسیاری کشورها کمکان از ترجمانهای ایرانی برای پناهجویان افغان استفاده میشود. عدم آشنایی ترجمان غیر افغان به بخشی از لغات، اصطلاحات، رسوم، عنعنات، شرایط محیط زیست و باریکی های زبانی و فرهنگی افغانها منبع مشکلاتی برای پناهجویان افغان است. اکنون این سوال مطرح میشود که اگر افغانها با ترجمانهای غیر افغان مشکلات افهام و تفهیم دارند، چرا همین مشکل خود را به مامور امیگریشن یا قاضی محکمه نمیگویند؟ پاسخ این موضوع را در چهار نکته باید جستجو کرد: نخست اینکه وقتی از پناهجویان افغان در هنگام درخواست پناهندگی پرسیده میشود زبان مادری شان چیست، آنکه کم سواد است میگوید فارسی حالانکه فارسی نام زبان ایران بوده و زبانهای رسمی و تاریخی افغانستان دری و پشتو میباشد. کمپیوترها در اروپا برای پناهجویی که زبان خود را فارسی بگوید، ترجمان ایرانی جستجو میکنند. ثانیاً پناهجویان افغان از اینکه حق رد کردن ترجمان را دارند، خوب مطلع نیستند. ثالثاً پناهجویان افغان ترجمان را مأموردولت فکر میکند و با ترسی که اکثر افغانها از ظلم مأمورین فاسد کشور خود دارند، جرأت نمیکند ترجمان را رد کنند. رابعاً برخی ترجمانهای غیر افغان و برخی مأمورین امیگریشن پناهجو را تهدید به تعویق چندماهه امور پناهندگی اش نموده مجبور به گذاره با ترجمانی میسازند که افهام و تفهیم با او بطور مطلوب پیش نمیرود. این ظلم بزرگی به حق یک پناهجو است. فقدان آگاهی پناهجو از حقوق اش و ویرا وادار به گردن نهادن به این ظلم میکند. یکبار که اساس دوسیه پناهبوی غلط گذاشته شد، اصلاح بعدی آن اگر ناممکن نباشد، مشکل است.

لازمست به سه سوال اساسی درین رابطه جواب بدهیم:

۱- آیا حق دارم ترجمان را رد کنم؟ بلی. قانون دولت میزبان را مکلف به تهیه ترجمان برای پناهجو ساخته که از طریق او افهام و تفهیم درست با مامور امیگریشن یا قاضی صورت بگیرد. بنابراین در صورتیکه افهام و تفهیم بشکل درست صورت نگیرد و پناهجو به مامور یا قاضی واضحاً بگوید که با ترجمان مذکور مشکل افهام و تفهیم داشته، حرفش را نمی فهمد و میخواهد برایش ترجمانی دیگری تهیه شود که زبان مادری اش را صحبت کند، مامور یا قاضی ناگزیر به جستجوی ترجمان دیگری که زبان مادری پناهجو را صحبت کند، می افتد. در قسمت دری و پشتو تبدیل ترجمان کار مشکل نیست زیرا ترجمانهای این دو زبان زیادند. مامور دو انتخاب دارد: یا ترجمان را تبدیل میکند یا مصاحبه را به تعویق می اندازد.

۲- آیا به تعویق افتادن مصاحبه یک مشکل بزرگ است؟ هر پناهجو میخواهد به زود ترین فرصت ممکن جواب مثبت بگیرد. از این لحاظ به تعویق افتادن مصاحبه خوشایند نیست. اما ادامه مصاحبه با ترجمانی که پناهجوسخنانش را نمی فهمید، هیچگاه برایش جواب مثبت ببار آورده نمیتواند. پس تعویق مصاحبه بهتر از ادامه مصاحبه با ترجمانی میباشد که در افهام و تفهیم همایش مشکلات موجود باشد. دیر رسیدن بهتر است از نارسیدن.

۳- آیا ترجمان مامور دولت است؟ آیا ترجمان میتواند برایم جواب رد بدهد؟ نخیر. ترجمان مامور دولت نبوده یک شخص دارای حرفه آزاد ترجمانی میباشد. ترجمان مثل وکیل مدافع در برابر حق الزحمه برای دولت کار میکند. اما نه ترجمان در تصمیمگیری در قسمت قبولی یا رد پناهجوسهم دارد و نه وکیل. یگانه مرجع تصمیمگیری در قسمت درخواست پناهندگی شما اداره امیگریشن میباشد. مامورینی که با شما مصاحبه میکنند و در قسمت شما فیصله میکنند، مامورین اداره امیگریشن میباشد. نام این اداره در کشورهای مختلف اروپایی فرق میکند. اما همه عین وظیفه را اجرا میکنند.

شیوه کار دول اروپایی در رابطه با به کار گماشتن ترجمانها:

فارو درین زمینه بکمک انجمنهای عضو خویش مطالعاتی بعمل آورد. بصورت عموم دول اروپایی از همان شیوه کهنه و فرسوده چند دهه قبل استفاده میکنند. این شیوه محصول زمانبست که هنوز کودتای خانمانسوز هفت ثور ۱۳۵۷ در افغانستان صورت نگرفته بود و افغانها بندرت به اروپا می آمدند. آن عده کم هم عمدتاً برای تحصیل وعده ای هم برای تجارت عازم اروپا میشدند. از افغانستان عده انگشت شماری که متشکل از آدمهای سرشناس و بقایای خانواده های شاهی که سلطنت شان ملغی شده بود، با پناه سیاسی در اروپا میزیستند. ایشان هم به زبانهای اروپایی آشنایی داشتند و ضرورتی به ترجمان نداشتند. بدیترتیب زبانهای افغانستان شامل لیست زبانهای مروج ترجمه برای خارجیا در ادارات و محاکم اروپایی شامل نبود.

امروز بیش از سه صد هزار افغان در اروپا زندگی میکنند اما برخی کشورهای اروپایی هنوز هم همان شیوه کار قدیمی خود را دنبال میکنند و فراموش میکنند که امروزه جامعه افغانها در اروپا به یک واقعیت انکار ناپذیر مبدل شده است. کشور های اروپایی از جهت برخورد شان با زبانهای ملی ما به دو کتیگوری تقسیم میشوند:

۱- **کتیگوری دول اروپایی که هویت زبانی افغانها را نادیده میگیرند:** این کتیگوری دولی را دربر میگیرد که در ردیف زبانهای قابل کاربرد در ادارات خود برای خارجیا، زبانهای ملی ما را اصلاً شامل نساخته اند. تعداد این کشورها کم نیست. کشورهای بزرگی چون آلمان، انگلستان و فرانسه هم هنوز قادر به درک تفاوت بین فارسی و دری نشده اند. بطور مثال در کشور انگلستان هنوز هم مرکز خدمات زبانی (AVAZ Language services Corporation) که به مقامات پولیس، امیگریشن و محاکم ترجمان میفرستد، جدولی بنام (Language Identification Guide) یا راهنمای معرفی زبان را تهیه نموده که در آن گویا همه زبانهای که معمولاً خارجیا در دفاتر پولیس، محاکم و سایر ادارات بکار میبرند، شامل است. همین جدول به پناهجوشان داده میشود تا در آن زبان مادری خود را نشان بدهد. زبانهای رسمی افغانستان درین جدول گنجانیده نشده است. بعبارۀ دیگر هویت زبانی ما توسط این مرکز نادیده گرفته شده است. زبان کمی آشنا برای پناهجوی افغان درین جدول فارسی است. بدین ترتیب هر پناهجوی افغان مستقیماً با ترجمانهای ایرانی سروکار پیدا میکند. حتی در جدول راهنمای انتخاب زبان متعلق به سازمان مددگاران اجتماعی (Refugee Council UK) هم زبان دری وجود ندارد و بنابراین پناهجویان دری زبان به ترجمانهای فارسی حواله میشوند. یگانه جدول راهنمای انتخاب زبان که دری در آن شامل است متعلق به SNW Healthcare interpretation Centre یا مرکز ترجمانهای شفاهی خدمات صحتی میباشد. وضع کشورهای شامل این کتیگوری واقعاً تأسف آور و مستلزم تغییر میباشد. برای تغییر درین ساحه بخصوص خود افغانهای پناهجو میتوانند نقش بسیار موثر داشته باشند. بطور مثال زمانیکه جدول اولی برایشان نشان داده میشود، بگویند که زبان مادری شان درین جدول شامل نیست. وزبانشان دری یا پشتو میباشد. چون پولیس، امیگریشن و محاکم مکلفیت قانونی دارند تا برای پناهجو ترجمان پیدا کنند، درصدد اصلاح جدول و پیدا کردن ترجمانهای این دو زبان میشوند.

۲- **کتیگوری کشور های که لیستهای بنام زبانهای ملی ما دارند ولی تفاوت آن با زبان کشورهای همسایه را نمیفهمند.** و دری را قصداً با فارسی مزج میکنند: عده کمی از کشورهای اروپایی شامل این کتیگوری اند. مثال گویای این کتیگوری دولت هالند است. در هالند از ۶ سال بدینسو حرفه ترجمانی تابع قانون خاص یعنی ((قانون ترجمانهای شفاهی و تحریری رسمی)) شده است. مطابق به این قانون راجستر ترجمانهای رسمی ایجاد شده است. در راجستر مذکور برای زبانهای دری و پشتو لیستهای خاص وجود دارد. صرف بعد از داشتن سطح تحصیلی بالا و اسناد تحصیلی و کاری در رشته ترجمانی و ادای سوگند امانتداری و غیرجانبدار بودن در ترجمه، یک شخص میتواند شامل

راجستر شود. ترجمان راجستر شده باید بصور پیوسته دانش حرفی را بالا ببرد. درغیران بهد از ۵ سال از لیست خارج میگردد. با وجود همین شرایط مشکل خوشبختانه افغانها به تعداد نسبتاً خوب شامل لیستهای دری و پشتو اند. اما میراث چند دهه گذشته که در آن دری و فارسی بحیث یک زبان تصور میشد، هنوز هم برسر نوشت پناهجویان سایه افکنده است. در لیست دری یکعده زیاد ترجمانهای ایرانی هم شامل اند. شاخه هالندی فارو که بنام FAVON یاد میگردد، تلاش زیادی بخرج داد تا این حالت اصلاح گردد. متأسفانه نظرمستشرقین قرن ۱۹ که براساس امیال استعماری شان دری را یک دیالکت فارسی معرفی نموده اند هنوز هم برشانه محافل علمی هالندنگر انداخته و مانع از آن میشود که با دید واقعاً علمی وبا درس آموزی از تجارب روزمره به تفاوتهای زبان گفتاری دری که متأثر از کلتور وسایر زبانهای موجود در افغانستان میباشد وزبان گفتاری فارسی که متأثر از فارسی پهلوی وترکی میباشد، ببینند. البته مطابق یک فیصله جدید شعبه ای بنام Wbtv ((تفاوت بزرگ کلتوری)) بین ایران وافغانستان پذیرفته شده ومنبعد بایدترجمان ایرانی یک امتحان آگاهی از کلتور افغانستان را با موفقیت سپری کند تا بتواند شامل لیست دری شود. اما درحالت موجوده کتیگوری دوم تفاوت ماهوی با کتیگوری اول ندارد.

چه کسی قادر به آوردن تفاوت اساسی میباشد؟

اگر فعالین سازمانهای پناهجویان بر وضع موجود اعتراض کنند واز تفاوت بین زبان گفتاری دری وفارسی صحبت کنند، دولت هالنداین سوال را که آیا تفاوت بین این دوزبان وجود دارد یاخیر؟ به پوهنتونهای خود راجع میسازند. پوهنتونها به نوبه خود به کتابهای مغرضانه ودور از واقعیت و موریانه خورده مستشرقین مراجعه میکنند. سر انجام نتیجه مطلوب بدست نمی آید. یگانه اشخاصی که قدرت تغیر این وضع را دارند خود پناهجویان اند. اگر پناهجو در فهم سخنان ترجمان مشکل داشته باشد، باید همان لحظه به مامور امیگریشن بگوید که سخنان ترجمان را نمیفهمد. طوریکه در بالا گفته شد، ترجمان مامور امیگریشن نیست ورد کردن او بالای تصمیم اداره امیگریشن در قسمت قبولی پناهجو هیچ تاثیری ندارد. اگر همه پناهجویان بهمین شکل از خراب شدن دوسیه پناهندگی خود جلوگیری کنند، بطور غیر مستقیم شیوه تعیین ترجمان را هم اصلاح میکنند. بدین معنی که مقامات ذیربط میدانند که دعوت شخصی که زبان مادری اش دری نباشد، مشکلات خلق میکند. وبرای جلوگیری از مشکلات خواست پناهجویان افغان را مدنظر میداشته باشد.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا (فارو)